

محمدحسن دریایی^۱

استفاده‌های صلح‌آمیز و غیر صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در حقوق بین‌الملل

چکیده

وضعیت استفاده و در اختیار داشتن انرژی هسته‌ای به‌عنوان یک واقعیت عینی توسط کشورها، به‌شدت روی جهت‌گیری آنها در هنجارسازی و قاعده‌مندی موضوع هسته‌ای اثرگذار است، به‌نحوی که دارندگان به‌شدت در تلاش بوده‌اند که با تولید و بازتولید اصول قواعد و هنجارها، هویت خود به‌عنوان مالکان انحصاری این دانش و تکنولوژی را تثبیت نموده و از گسترش آن به سایر کشورها جلوگیری نمایند. تعاملات بین دارندگان دانش فنی هسته‌ای و کشورهای فاقد آن در خلال نیم قرن گذشته سبب شد که حقوق بین‌الملل در دو زمینه وضعیت استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و وضعیت استفاده نظامی و دستیابی به سلاح هسته‌ای قاعده و هنجار سازی نماید. استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز حق لاینفک همه کشورهاست. اما استفاده‌های نظامی از آن فقط محدود به پنج کشور هسته‌ای شده است و حتی به‌کارگیری سلاح هسته‌ای در شرایط حاد دفاع از خود برای دارندگان آن از نوعی مشروعیت حقوقی برخوردار شده است.

واژگان کلیدی

انرژی هسته‌ای، حقوق بین‌الملل، هنجار، خلع سلاح، عدم اشاعه، کنترل تسلیحات، رأی دیوان دادگستری، سلاح هسته‌ای.

۱. محمدحسن دریایی، دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی و کارشناس ارشد وزارت امور خارجه است.

الف) مقدمه

قرن بیستم، قرن شتاب و سرعت گیری فوق العاده در نوآوری های علمی، اختراعات و اکتشافات بشری بوده است که این اختراعات بر روی نحوه زندگی، نظام قاعده مندی اختراعات، هنجار سازی برای پدیده های نوین و متعاقب آن هویت سازی و تنظیم مناسبات براساس نقش متأثر از هویت بسیار مؤثر بوده است. روابط دولت ها و حتی روابط بین بازیگران غیردولتی در سراسر جهان تأثیر بسزایی از پدیده های نوین داشته است. از جمله این اختراعات و اکتشافات، پیشرفت دانش بشری در زمینه شکافت هسته اتم و بهره برداری از انرژی هنگفت موجود در آن در ارتباط با مسائل نظامی و غیرنظامی بوده است. با توجه به اینکه معمولاً دولت ها، هزینه های تحقیقاتی خود را بیشتر مصروف بخش های نظامی می کنند، بعد نظامی دستیابی به انرژی هسته ای توجهات بیشتری را به خود مصروف داشت و رقابت زیادی بین قدرت های بزرگ بر سر دستیابی به سلاح هسته ای بوجود آمد به نحوی که پروژه های مخفی از سوی کشورهای درگیر در جنگ جهانی دوم شکل گرفت و در نهایت منجر به دستیابی به سلاح هسته ای گردید.

در این مقاله درصدد هستیم تا به این سؤال پاسخ دهیم که وضعیت پدیده هسته ای هم از بُعد استفاده صلح آمیز و هم از بُعد استفاده غیر صلح آمیز و نظامی در حقوق بین الملل به چه شکل می باشد. فرضیه مورد آزمون در این تحقیق این است که از نظر حقوق بین الملل استفاده از انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز حق لاینفک همه کشورهاست. اما استفاده های نظامی از آن فقط محدود به پنج کشور هسته ای شده است و حتی استفاده از سلاح هسته ای در شرایط حاد دفاع از خود برای دارندگان آن از نوعی مشروعیت حقوقی برخوردار است. روش تحقیق مورد استفاده نیز کتابخانه ای و مبتنی بر اسناد حقوقی، کتب و مقالات موجود می باشد.

ب) تاریخچه سلاح هسته ای

برآوردهای علمی که از سوی محافل دفاعی - امنیتی کشورهای درگیر در جنگ جهانی

دوم به عمل آمده بود مؤید این موضوع بود که حصول پیروزی قاطع با استفاده از سلاح‌های متعارف بسیار دشوار است لذا هر دو طرف درگیر تلاش کردند که با استفاده از سلاحی با قدرت فوق‌العاده، سرنوشت جنگ را به نفع خود رقم بزنند. در این میان فیزیک‌دانان هر دو طرف دستیابی به انرژی هسته‌ای و بمب اتم را چندان دور از دسترس نمی‌دانستند. آمریکا، شوروی، انگلیس و آلمان هر کدام در تلاش بودند تا اولین صاحب بمب اتمی گردند. آلمانی‌ها با توجه به اهداف و برنامه‌های استراتژیک خود برای تصرف و تسلط بر جهان، اولین کشوری بودند که تلاش سیستماتیک گسترده‌ای را در این راستا به ریاست هایزنبرگ^۱ دانشمند هسته‌ای خود در دانشگاه لایپزیک برلین آغاز کردند که حمایت بی‌حد و حصر نازی‌ها از برنامه هسته‌ای به سرعت آن افزود. این برنامه‌ها بعداً به صورت موازی در پنج شهر دیگر آلمان پیگیری شد. فرار برخی از دانشمندان آلمان به علت یهودی بودن یا تابعیت خارجی داشتن، سبب شد که اسرار این تلاش‌های هسته‌ای به آمریکا منتقل شود. آمریکایی‌ها متوجه شدند که آلمانی‌ها به شدت به دنبال غنی‌سازی اورانیوم و کار روی آب سنگین برای یافتن پلوتونیوم هستند تا از این طریق به سلاح هسته‌ای دست یابند. اما مشکل آلمان‌ها کمبود اورانیوم و آب سنگین بود.

بر پایه همین اطلاعات، فرانسوی‌ها از بلژیکی‌ها خواستند که در صورت حمله آلمان به بلژیک ذخیره اورانیوم خود را به آمریکا بفرستند هرچند این کار توسط بلژیکی‌ها صورت گرفت، اما با اشغال بلژیک محموله‌ای از اورانیوم بلژیک به دست آلمان‌ها افتاد که آنها را در وضعیت بهتری نسبت به آمریکا قرار داد. جهت مقابله با تلاش‌های آلمان، فرانسوی‌ها نیز کار روی تولید آب سنگین را آغاز کردند اما با اشغال این کشور توسط آلمان ذخایر آب سنگین آنها نیز به انگلیس منتقل شد تا به دست نیروهای آلمان نیافتد.^(۱)

در انگلیس نیز تلاش‌ها برای دستیابی به سلاح اتمی با شلند پیگیری می‌شد و

انگلیس در این مسیر روی پژوهشگران هسته‌ای پناهنده و مخالف نازی‌ها حساب می‌کرد و از اطلاعات آنها استفاده می‌نمود.

در آمریکا نیز دانشمندان یهودی فراری از اروپا نقش مهمی در پیشبرد پروژه‌های هسته‌ای این کشور داشتند اطلاعات منتقل شده از اروپا و آلمان به این کشور نیز حائز اهمیت بود. ارسال نامه اینشتین به روزولت مبنی بر هشدار در مورد احتمال دستیابی نازی‌ها به سلاح اتمی، سبب انگیزش بیشتر آمریکا در این خصوص شد و کمیته مطالعه اورانیوم بنا به دستور روزولت تشکیل شد. واینوار بوش^۱ هم با احساسات ملی‌گرایانه شدید تلاش کرد که تحقیقات اتمی را به سمت جنگ هدایت کند و بنا به دستور روزولت رئیس پروژه هسته‌ای ملی شد. انریکو فرمی^۲ هم توانست فرایند شکافت هسته‌ای را کشف و نخستین رآکتور هسته‌ای جهان را در دانشگاه شیکاگو ایجاد نماید. پروژه منهن نیز در سال ۱۹۴۲ توسط کلنل لسلی گرووز^۳ برای تولید پلوتونیوم صنعتی با حمایت ارتش آغاز شد و با به کارگیری دانشمندان هسته‌ای و فیزیک‌دانان اروپایی موفقیت‌هایی بدست آورد. فعالیت آنها در سایت لوس آلاموس روی ساخت سلاح هسته‌ای با استفاده از اورانیوم غنی شده و پلوتونیوم به نتیجه رسید و در نهایت دو سلاح اتمی به نام‌های مرد چاق^۴ با استفاده از پلوتونیوم و پسر کوچک^۵ با استفاده از اورانیوم غنی شده ایجاد شد.

آمریکا با اطمینان از آزمایش سلاح هسته‌ای در ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۵ در نیومکزیکو، تصمیم گرفتند که با استفاده از این سلاح، جنگ را خاتمه داده و از دستیابی هیتلر به این سلاح جلوگیری نمایند. لذا خیلی زود بین مقامات آمریکایی اتفاق نظر ایجاد شد که بمب مزبور را در یکی از شهرهای ژاپن استفاده کنند. آنها تصمیم گرفتند قبل از استفاده از بمب به صورت کلی و بدون اشاره به استفاده از سلاح هسته‌ای به ژاپن یک اولتیماتوم بدهند که در صورت عدم تسلیم عواقب مخربی در انتظار این کشور خواهد بود. نخست وزیر ژاپن تهدید آمریکا را

1. Vanevar Bush
3. Leslie Groves
5. Little Boy

2. Enrico Fermi
4. Fat Man

غیرقابل قبول اعلام کرد و آمریکایی‌ها در ۶ اوت ۱۹۴۵ بمب اتمی پسر کوچک را در هیروشیما استفاده کردند و سه روز دیگر در تاریخ ۹ اوت ۱۹۴۵ نیز بمب اتمی مرد چاق را در ناکازاکی استفاده کردند. بدین ترتیب سلاح هسته‌ای پا به عرصه وجود گذاشت و استفاده از آن مورد آزمایش قرار گرفت. آزمایشی که سبب نابودی کامل دو شهر و کشته شدن صدها هزار نفر گردید. کاربرد این سلاح سبب تسلیم ژاپن و خاتمه جنگ در تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۴۵ گردید.

ج) دستیابی سایر کشورها به سلاح هسته‌ای

استفاده از سلاح هسته‌ای و نقش تعیین کننده این سلاح در خاتمه جنگ سبب اشتیاق سایر کشورها به دستیابی به این سلاح شد به نحوی که شوروی‌ها با تسریع برنامه‌های هسته‌ای خود توانستند در ۲۹ اوت ۱۹۴۹ اولین آزمایش هسته‌ای خود را انجام دهند و رسماً داشتن سلاح هسته‌ای را به اثبات برسانند.

دولت انگلیس هم با استفاده از تجارب دانشمندان آمریکایی که بعد از جنگ به اروپا مراجعه کرده بودند توانست اولین آزمایش هسته‌ای خود را در سوم اکتبر ۱۹۵۲ در جزیره مونت بلر در نزدیکی سواحل استرالیا انجام دادند و رسماً به سلاح اتمی دست یافت.

فرانسه نیز به شدت بر فعالیت‌های تحقیقاتی خود در این زمینه افزود تا اینکه در نهایت در فوریه ۱۹۶۰ در صحرای مراکش آزمایش خود را با موفقیت انجام داد و چهار سال بعد هم، چین توانست به سلاح اتمی دست یابد و سلاح هسته‌ای خود را در تاریخ ۱۹۶۴ آزمایش کرد. برخی شایعات وجود داشت که هند توانسته است در سال ۱۹۷۴ به سلاح هسته‌ای دست یابد متعاقب آن پاکستان نیز برنامه سلاح هسته‌ای خود را آغاز کرد و رسماً دو کشور در سال ۱۹۹۸ مبادرت به انجام آزمایش هسته‌ای کردند. شایعاتی نیز در مورد دستیابی رژیم اسرائیل به سلاح اتمی وجود دارد که هنوز تایید یا رد نشده است. کره شمالی هم در سال ۲۰۰۶ مبادرت به انجام یک آزمایش هسته‌ای کرد و رسماً داشتن سلاح اتمی را اعلام

(د) تلاش‌های بین‌المللی جهت قاعده‌مندی موضوع هسته‌ای

با دستیابی آمریکا به این سلاح، تلاش‌های وسیعی توسط این کشور آغاز گردید تا با ایجاد یک سیستم بین‌المللی حقوقی، سلاح مزبور را منحصراً در اختیار خود داشته باشد و از اشاعه آن به دست سایر کشورها جلوگیری به عمل آورد. در این زمینه آمریکا با ارائه طرح‌هایی مانند طرح باروخ در صدد برآمد که انرژی عظیم ایجاد شده از هراس و نفرت جامعه بین‌المللی از عواقب وحشتناک انفجار هسته‌ای را بیشتر متوجه عدم گسترش این سلاح‌ها نماید و این انرژی را به نحوی کانالیزه کند که ضمن انحصاری کردن سلاح هسته‌ای، از دستیابی سایر کشورها به این سلاح جلوگیری به عمل آورد. در این راستا ارائه برخی مشوق‌ها مانند استفاده همه کشورها از فواید صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای یا طرح «اتم برای صلح»^۱ با این هدف صورت گرفت که از اشتیاق سایر کشورها برای پیگیری طرح‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی اتمی بکاهد.

اما سایر کشورها بعد از جنگ دوم جهانی، با مشاهده عواقب وخیم استفاده از این سلاح‌ها و آثار استراتژیکی که بر روابط کشورها دارد و برتری انحصاری که به دارنده این سلاح می‌دهد، همه تلاش‌های خود را در سطح بین‌المللی صرف قاعده‌مند کردن گسترش استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای از یک طرف و خلع سلاح و نابودی این تسلیحات از طرف دیگر کردند. در منشور ملل متحد «خلع سلاح» از جمله مسائلی است که در حیطه بحث و بررسی مجمع عمومی مطرح شده است^(۳) ولی در عین حال منشور از نظام امنیت جمعی و اختیارات شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نیز سخن می‌گوید. آمریکا به عنوان تنها دارنده سلاح هسته‌ای بحث خلع سلاح را نمی‌پذیرفت و در مقابل از بحث عدم اشاعه حمایت می‌کرد.

در سال ۱۹۴۶ آمریکا طرح باروخ را مطرح کرد که طبق آن یک سازمان بین‌المللی برای توسعه و کنترل مراحل استفاده از انرژی هسته‌ای شکل می‌گرفت. مجازات‌هایی علیه

تخلف در استفاده از مواد شکاف‌پذیر برای ساخت سلاح هسته‌ای در نظر گرفته شده بود و بعد از تأسیس سازمان، ساخت همه سلاح‌های هسته‌ای متوقف می‌شد و نظام رأی‌گیری در شورای امنیت نیز به نحوی تغییر می‌یافت که امکان تخلف با استفاده از حق و تو نداشته باشد. همه این برنامه‌ها و پیشنهادات با این هدف صورت می‌گرفت که شوروی نتواند به سلاح اتمی دست یابد. شوروی هم با درک این مسأله مصمم‌تر از قبل به تلاش‌هایش برای دستیابی به سلاح اتمی ادامه می‌داد و طرح باروخ را نپذیرفت. در مقابل به نظر این کشور، اولویت باید روی امحای سلاح‌های هسته‌ای باشد و سازمان مزبور اولین هدفش خلع سلاح باشد. بنابراین مشاهده می‌شود که از همان ابتدا در بحث قاعده‌گذاری و هنجارسازی بین‌المللی تأکید دارندگان سلاح و تکنولوژی بر عدم اشاعه آن و تأکید آنهایی که به این سلاح و تکنولوژی دسترسی نداشتند بر خلع سلاح و نابودی ذخایر بوده است.^(۴) به هر حال این اختلاف‌نظرها مانع پیشرفت طرح باروخ شد. بعد از دستیابی شوروی به بمب هسته‌ای و با توجه به دوقطبی شدن نظام بین‌الملل رهبران دو قطب در موقعیت نسبتاً برابری قرار گرفتند. لذا در ۱۹۵۲ توافق کردند که کمیسیون خلع سلاح تشکیل گردد و در آن در قالب سازمان ملل همه جنبه‌های خلع سلاح متعارف هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی مورد مذاکره قرار گیرد. شدت بی‌اعتمادی دو بلوک نسبت به یکدیگر سبب شد که هیچ‌یک از پیشنهادات مطروحه در کمیسیون خلع سلاح راه به جایی نبرد.

از طرف دیگر در بُعد گسترش استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی اتمی، رئیس جمهور آمریکا، آیزنهاور^(۵) با ارائه طرح «اتم برای صلح» زمینه‌های شکل‌گیری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را فراهم کرد. طرح آیزنهاور بر این پایه‌ها استوار بود که مواد هسته‌ای در اختیار یک سازمان بی‌طرف جهانی باشد و مواد هسته‌ای یادشده هم برای مقاصد صلح‌آمیز استفاده شود. مذاکرات و رایزنی با شوروی و سایر کشورها در نهایت این طرح را تبدیل به اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی کرد. سند مزبور که باعث ایجاد آژانس شد از ۲۶ اکتبر ۱۹۵۶ تا ۲۳ ژانویه ۱۹۵۷ برای امضا مفتوح شد و در ۲۹ ژانویه ۱۹۵۷ لازم‌الاجرا و آژانس ایجاد شد.

مهم‌ترین وظیفه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گسترش استفاده از انرژی اتمی برای مقاصد صلح‌آمیز است. در ماده ۲ اساسنامه چنین بیان شده است که «آژانس خواهد کوشید که سهم انرژی اتمی را در صلح، سلامت و سعادت سراسر جهان تسریع کند و توسعه بخشد و تا جایی که بدان قادر باشد کسب اطمینان کند که هر کمکی که به وسیله آژانس یا بنا به تقاضای آن و یا تحت نظارت و سرپرستی آن به عمل خواهد آمد برای مقاصد نظامی استفاده نگردد»^(۶). همچنین طبق مقررات آژانس گسترش استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در سراسر جهان، کمک به تحقیقات و رشد دانش فنی در به‌کارگیری انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز در سراسر جهان از محورهای عمده فعالیت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.^(۷) علاوه بر اینها آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ترویج و هدایت توسعه کاربردهای صلح‌آمیز هسته‌ای، برقراری استانداردهایی از بابت ایمنی هسته‌ای و حفاظت محیط زیست، ارائه کمک‌های فنی و ترغیب افزایش همکاری‌های فنی^۱، در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و مبادله اطلاعات علمی و فنی در زمینه صلح‌آمیز هسته‌ای و تشویق مبادله و تعلیم دانشمندان و کارشناسان در زمینه استفاده غیرنظامی و صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را نیز برعهده دارد. همچنین با توجه به اینکه تأکید بر استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای هدف اصلی آژانس و دلیل وجود آن است، در اساسنامه آن ترتیبات نظارتی و کنترلی بر مواد هسته‌ای برای جلوگیری از انحراف آنها به مقاصد نظامی نیز پیش‌بینی شده است. البته این سازوکار نظارتی با انعقاد معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای^۲، حالت منظم‌تر، سازمان‌یافته‌تر و تکامل‌یافته‌تری یافت. بهرحال ماده سوم و دوازدهم اساسنامه آژانس سازوکارهای لازم را برای نظارت بر عدم انحراف مواد هسته‌ای به مقاصد غیر صلح‌آمیز پیش‌بینی کرده است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که فعالیت‌های عمده آژانس حول سه محور ذیل است:

۱. ارتقای همکاری‌های فنی و ترویج همکاری در زمینه استفاده صلح‌آمیز،

1. Technical Cooperation (TC)

2. Non-Proliferation of Nuclear Weapons Treaty (NPT)

۲. فعالیت‌های کمک به کشورها در افزایش استانداردهای ایمنی هسته‌ای برای استفاده‌های صلح‌آمیز و کاهش خطرات ناشی از حوادث و اشتباه،

۳. نظارت و راستی‌آزمایی عدم انحراف مواد هسته‌ای به مقاصد نظامی.

از این سه محور دو محور ایمنی و همکاری فنی حالت « ارتقایی»^۱ و ارائه دهنده کمک و محور آخری یعنی نظارت و بازرسی حالت « قاعده‌مندی»^۲ دارد. شایان ذکر است که هم فعالیت ارتقایی و هم فعالیت قاعده‌مندی آژانس در طول زمان حالت تکاملی داشته است و نظام بین‌الملل در هر مقطع با توجه به ساختار قدرت، توزیع قدرت، میزان رشد دانش بشری در زمینه علوم و تکنولوژی هسته‌ای، تهدیدات علیه نظام موجود، محتوای تهدیدات و میزان پایبندی کشورها به هنجارهای موجود را مورد بازنگری قرار داده و متناسب با وضع موجود نسبت به تکامل فعالیت‌های ارتقایی، تکمیل و افزایش سیستم‌های نظارتی در فعالیت‌های قاعده‌مندی اقدام کرده است، تا هدف اولیه آژانس که همانا عدم انحراف مواد هسته‌ای به مقاصد نظامی است تضمین گردد.^(۸)

در کنار تحولات مربوط به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سایر ارگان‌های بین‌المللی نیز تلاش‌هایی جهت قاعده‌مندی عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای صورت گرفت. اولین تلاش در این خصوص قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد تحت عنوان جلوگیری از گسترش بیشتر سلاح‌های هسته‌ای در ۵ دسامبر ۱۹۶۸ می‌باشد. این قطعنامه به ابتکار ایرلند ارائه شد و به اتفاق آرا در مجمع عمومی به تصویب رسید. در این قطعنامه از کلیه کشورها درخواست شده بود که جهت انعقاد موافقتنامه عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای تلاش نمایند.

هر چند قطعنامه مزبور در مجمع عمومی با پذیرش و استقبال روبه‌رو شد اما انعقاد یک معاهده الزام آور که راه اشاعه سلاح هسته‌ای را ببندد مستلزم اراده قاطع و توافق ابرقدرت‌ها، با توجه به جو نظام دوقطبی بود. لذا با گسترش تفاهات بین دو ابرقدرت، وقوع بحران کویا که هشدار برای احتمال وقوع یک جنگ هسته‌ای بود و آغاز تشنج زدایی بین دو

ابرقدرت، نوعی تفاهم بین‌المللی نیز بین آنها مسببی بر لزوم انعقاد یک معاهده الزام آور بین‌المللی در زمینه عدم اشاعه ایجاد شد. بازتاب این تفاهم در ارائه طرح‌هایی جداگانه از سوی آمریکا و شوروی در سال ۱۹۶۵ و ارائه طرح مشترک آنها در سال ۱۹۶۷ به کمیته هجده ملیتی خلع سلاح بود.^(۹)

ارائه طرح مشترک و پی‌گیری‌های مکرر دو ابرقدرت نیروی عظیمی در سطح جامعه بین‌الملل ایجاد کرد که بیانگر این بود که به‌زودی معاهده‌ای الزام‌آور در این خصوص منعقد می‌شود. البته دیدگاه‌های مختلفی بین کشورها وجود داشت برخی کشورها خواهان تأکید بیشتر بر خلع سلاح هسته‌ای و در کنار عدم اشاعه خواهان نابودی ذخایر سلاح‌های هسته‌ای موجود بودند. از جمله این کشورها می‌توان به هند، فرانسه، برزیل، آرژانتین، پاکستان، غنا، مالزی، الجزایر، آلبانی، کوبا و اوگاندا اشاره کرد. برخی کشورها مانند برزیل و آفریقای جنوبی نیز خواهان تضمین ارائه کمک از سوی کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای به کشورهای فاقد آن برای استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای بودند. برخی دیگر از کشورها مانند ایران و پاکستان نیز خواهان ارائه تضمین‌های امنیتی رسمی از سوی دارندگان سلاح‌های هسته‌ای به کشورهای فاقد این سلاح‌ها بودند. سوئد نیز خواهان یک سیستم فراگیر بازرسی بر کلیه فعالیت‌های هسته‌ای بود به نحوی که فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز در دنیا از جمله فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز کشورهای هسته‌ای را نیز شامل شود.

کشورهای در حال توسعه مانند کوبا و هند و برزیل نیز از اینکه سیستم معاهده تبعیض‌آمیز است و شکاف بین باشگاه داراها و باشگاه نداراها را رسمیت می‌بخشد نگران بودند. همچنین بحث تلاش برای جلوگیری از اشاعه افقی و عمودی سلاح‌های هسته‌ای نیز توسط هند مطرح شده بود.

منظور از اشاعه عمودی این بود که با انعقاد یک معاهده که ممنوعیت جامع آزمایش‌های هسته‌ای را شامل شود از پیشرفت و توسعه سلاح‌های موجود در جهان نیز جلوگیری به عمل آید.^(۱۰)

آمریکا و شوروی انتقادات موجود را وارد ندانسته و با ارسال یادداشت‌های جداگانه برای کشورها و ترغیب آنها، تلاش نمودند که مذاکرات را به نحوی هدایت کنند که متن مورد نظر آنها، اساس معاهده و مورد پذیرش کشورها قرار گیرد. در نهایت هم متن مزبور در ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ به‌عنوان معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای به موجب قطعنامه ۲۳۷۳ مجمع عمومی پذیرفته شد. در رأی‌گیری قطعنامه مزبور ۹۵ کشور رأی مثبت، ۴ کشور رأی منفی (آلبانی، تانزانیا، زامبیا و کوبا) و ۲۱ کشور رأی ممتنع دادند که به‌طور عمده کشورهای در حال توسعه بودند. بدین ترتیب معاهده در اول ژوئیه ۱۹۶۸ در لندن، مسکو و واشنگتن برای امضاء مفتوح گردید و در ۵ مارس ۱۹۷۰ لازم‌الاجرا شد.^(۱۱)

معاهده عدم اشاعه را سنگ بنای رژیم عدم اشاعه می‌نامند و حاوی مطالب و مفاد مهمی است که مهم‌ترین تلاش بین‌المللی در زمینه قاعده‌مندی انرژی هسته‌ای و سلاح هسته‌ای است. در زیر به بررسی مفاد آن می‌پردازیم.

ه) معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای محور اساسی تعیین‌کننده وضعیت حقوقی انرژی هسته‌ای

همان‌طور که بیان شد معاهده NPT نقطه اوج تلاش‌های بین‌المللی جهت قاعده‌مند کردن انرژی هسته‌ای و سلاح‌های هسته‌ای بود اما معاهده NPT دارای نقایصی است. این معاهده کشورها را به دو دسته «داراها» و «ندارها» تقسیم می‌کند و این تبعیض را رسمی می‌کند. بر طبق این معاهده کشورهایی هسته‌ای هستند که تا تاریخ ۱ ژانویه ۱۹۶۷ یک سلاح هسته‌ای یا وسیله انفجاری هسته‌ای را ساخته و منفجر نموده باشند.^(۱۲)

بدین ترتیب وجود سلاح هسته‌ای و در اختیار بودن آن برای کشورهای هسته‌ای طبق این معاهده رسمیت یافت. در مقابل کشورهای هسته‌ای براساس ماده ۱ معاهده NPT متعهد شدند که از واگذاری مستقیم یا غیرمستقیم سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری به دیگران خودداری نموده و کشورهای دیگر را به هیچ وجه در این زمینه ترغیب و تشویق

نمایند. همچنین کشورهای هسته‌ای طبق ماده ۶ متعهد شدند که با حسن نیت، مذاکرات در رابطه با اقدامات مؤثر جهت توقف هرچه زودتر مسابقات هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای، انعقاد پیمان خلع سلاح عمومی و کامل تحت کنترل سخت و مؤثر بین‌المللی را تعقیب نمایند. تعهد دیگر دول هسته‌ای این بود که حق همه کشورها برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را به رسمیت شناختند و طبق ماده ۴ متعهد شدند که تبادل هر چه وسیع‌تر تجهیزات، مواد، دانش و اطلاعات فنی را جهت مصارف صلح‌جویانه تسهیل کنند و طبق ماده پنج منافع بالقوه هرگونه کاربرد صلح‌جویانه استفاده از انفجارات هسته‌ای را با رعایت اصل عدم تبعیض در اختیار کلیه اعضای این پیمان که فاقد سلاح هسته‌ای می‌باشند قرار دهند. بنابراین کشورهای هسته‌ای در مقابل تثبیت موقعیت ویژه خود که ارزش بسیار فراوانی داشت، یک سری تعهدات کلی را پذیرفتند که شامل تلاش برای خلع سلاح، تلاش برای عدم اشاعه و تلاش برای تسهیل استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای بود. اینکه آیا این تعهدات عملی شد یا خیر نیاز به بررسی تاریخچه ۳۵ ساله NPT دارد و اعتراضات و نارضایتی‌هایی که کشورهای غیرهسته‌ای در این زمینه دارند خود گویای کافی این مسأله است. (۱۳)

اما اینکه کشورهای غیرهسته‌ای در مقابل پذیرش این تبعیض و نابرابری تحت پادمان قراردادن تأسیسات هسته‌ای خود طبق ماده ۳ و تعهد سپردن برای عدم پیگیری برنامه‌های هسته‌ای نظامی طبق ماده ۲ چه به دست آوردند را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- به رسمیت شناختن حق ذاتی و لاینفک همه کشورها برای بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز طبق ماده چهار NPT و مقدمه این پیمان.

- حق مشارکت و بهره‌مندی از تبادل اطلاعات هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز تا حداکثر ممکن طبق ماده ۴.

- حق ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای طبق ماده ۷.

- حق بهره‌مندی از منافع انفجارات هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز.

- حق دستیابی به جهانی عاری از سلاح هسته‌ای و خلع سلاح کامل هسته‌ای طبق ماده ۶.

اینکه چه میزان این حقوق کشورهای غیرهسته‌ای تضمین شد و چه میزان توانستند به حق خود برسند را نیز باید در مسابقه ۳۵ ساله NPT و اعتراضات مکرری که نسبت به عدم پیگیری ماده ۴ و ماده ۶ توسط دول هسته‌ای از سوی کشورهای غیرهسته‌ای مطرح شد پیگیری کرد. می‌توان گفت که دول غیرهسته‌ای جز یک قبول خام توسط دول هسته‌ای دستاوردی از NPT نداشته‌اند. تقریباً در هیچ اجلاس بازنگری NPT نبوده است که کشورهای غیرهسته‌ای اعتراضات شدیدالحنی را علیه دول هسته‌ای مطرح نکرده باشند و بسیاری از اجلاس‌های بازنگری NPT به علت تعارض منافع بین دارندگان سلاح هسته‌ای و کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای و عدم عمل کشورهای هسته‌ای به تعهداتشان به بن بست رسیده و بدون نتیجه خاتمه یافته‌اند.^(۱۴)

البته از نظر حقوقی مفاد ماده ۴ معاهده NPT بر حق ذاتی کشورهای غیرهسته‌ای برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تأکید و بیان می‌دارد که هیچیک از مواد پیمان به نحوی تفسیر نخواهد شد که به حقوق غیرقابل انکار هر یک از اعضای این پیمان به منظور توسعه، تحقیقات، تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای جهت اهداف صلح‌جویانه بدون هر نوع تبعیض و براساس ماده ۱ و ۲ این پیمان خلل وارد نماید.

همچنین همه اعضای این پیمان متعهد می‌گردند که تبادل هر چه وسیع‌تر تجهیزات، مواد، دانش و اطلاعات فنی را جهت مصارف صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تسهیل نموده و حق شرکت در این مبادلات را دارند.

حق غیرقابل انکار کشورها در استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی آنقدر مهم است که ماده سه NPT ضمن اینکه موضوع نحوه تحت پادمان قرارداد تأسیسات کشورهای غیرهسته‌ای و موضوع انعقاد قرارداد پادمان بین کشور دارای تأسیسات و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تحت بررسی دارد، موضوعی که بحث تضمین نظارت بین‌المللی بر عدم انحراف فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای غیرهسته‌ای را در بر می‌گیرد و بسیار مهم است در عین حال در همین ماده هم بحث حق غیرقابل انکار کشورها برای استفاده صلح‌آمیز مورد توجه ویژه قرار دارد.

به گونه‌ای که معاهده به‌طور صریح بیان می‌دارد که: «پادمان‌های مقرر در این ماده به‌نحوی اجرا خواهد شد که ماده ۴ این معاهده رعایت گردیده و مانع از توسعه اقتصادی و فنی اعضا یا همکاری‌های بین‌المللی در حوزه فعالیت‌های صلح‌جویانه هسته‌ای شامل مبادله بین‌المللی مواد هسته‌ای و تجهیزات جهت فرآوری استفاده یا تولید مواد هسته‌ای برای اهداف صلح‌جویانه بر طبق مقررات این ماده و اصل پادمان مطرح شده در مقدمه این پیمان، نشود.» (۱۵)

علاوه بر اینها حق ذاتی و لاینفک کشورها در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای موضوعی است که در بسته توافقی اجلاس بازنگری و تمدید معاهده که طی آن زمینه تمدید نامحدود معاهده فراهم شد مورد توجه قرار گرفت. هفت پاراگراف از تصمیمات مربوط به اصول و اهداف به این مسأله اختصاص یافت و مجدداً در اصل چهاردهم این سند حق لاینفک کشورها در بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای بدون تبعیض مخصوصاً مورد تأکید قرار گرفت. (۱۶)

همین حق در اجلاس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۰ نیز مورد تأکید قرار گرفت و بیان شد که هیچ یک از مقررات معاهده نباید خدشه‌ای به حق لاینفک کشورها در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای فراهم آورد. (۱۷)

به‌طور کلی از مفاد و مقررات بیان شده در اسناد متعدد مخصوصاً اساس‌نامه آژانس معاهده NPT، اسناد کنفرانس‌های بازنگری NPT و حتی قرارداد پادمان کشورها با آژانس می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که حق لاینفک کشورها در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای منبعت از دو اصل کلی حقوقی می‌باشد.

۱. دستاوردهای علمی و تکنولوژیک میراث مشترک بشریت است و در انحصار کشور یا ملت خاصی نیست. این دستاوردهای علمی و تکنولوژیک مخصوصاً در زمینه علوم و فنون مرتبط با مباحث هسته‌ای باید با حسن نیت برای صلح و رفاه و آسایش بشریت به کار گرفته شود و نباید وسیله ایجاد وحشت، باج‌خواهی یا ایجاد سلطه باشد. بنابراین هرگونه

محروم ساختن کشور یا ملتی از حق ذاتی استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مخالف حقوق بشر و حق توسعه علمی تکنولوژیک بوده و خلاف حقوق بین‌الملل می‌باشد.

۲. دومین اصل حقوقی اصل استلزام تعادل بین حقوق و تکالیف کشورها در معاهدات بین‌المللی است. یک معاهده بین‌المللی نمی‌تواند صرفاً تعهد باشد، بلکه در مقابل تعهدات کشورها باید حقوقی نیز وجود داشته باشد. وجود حق در مقابل تعهد انگیزه برای عضویت را ایجاد می‌کند و سبب تداوم رژیم حقوقی شده و چون منافع بلندمدت کشورها را تضمین می‌کند پایبندی به رژیم مزبور را نیز تضمین می‌تواند. (۱۸)

بنابر موارد فوق حق لاینفک کشورها برای استفاده از انرژی هسته‌ای حقی تثبیت شده در معاهده NPT است.

و) تلاش جهت محدود کردن حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای

همان‌گونه که بیان شد حق لاینفک کشورها برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی به کرات در اسناد متعدد بین‌المللی تکرار شده است و موضوعی نیست که به سادگی قابل انکار باشد. از طرف دیگر وقوع برخی حوادث سبب شد که دول هسته‌ای برای جلوگیری از انحراف فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز به فعالیت‌های نظامی تدابیری را بیاندیشند. از جمله این حوادث می‌توان به فعالیت‌های مخفی عراق برای دستیابی به سلاح هسته‌ای در دهه ۱۹۹۰ اشاره کرد. تا قبل از کشف این حوادث فرض اولیه کشورها، این بود که دول غیرهسته‌ای با حسن نیت قرارداد پادمان را امضاء کرده و ضمن اعلام کلیه فعالیت‌های هسته‌ای خود، آنها را تحت پادمان قرارداده و با نظارت بین‌المللی آژانس زمینه انحراف آنها به مقاصد نظامی از بین خواهد رفت. اما کشف فعالیت‌های مخفی عراق نشان داد که سیستم پادمان دچار نقص است و فقط فعالیت‌های اعلام شده کشورها را تحت پوشش قرار می‌دهد و هیچ تضمینی برای فعالیت مخفی اعلام‌نشده وجود ندارد. بنابراین تدابیر برای تشدید سازوکار نظارتی پادمان آغاز شد.

در نهایت پس از چند سال مذاکره، پروتکل الحاقی (۲+۹۳) در سال ۱۹۹۷ تدوین گردید. اساس پروتکل الحاقی بدین نحو طراحی شده است که با اجرای آن تضمین لازم مبنی بر عدم وجود برنامه مخفی هسته‌ای به جامعه بین‌الملل داده شود. پروتکل الحاقی شامل سازوکارهای پیشرفته و بسیار سخت‌گیرانه بازرسی است که اصل بازرسی از هر مکان و در هر زمان را میسر می‌سازد.

از طرف دیگر با افشای برنامه‌های هسته‌ای کشورهای کشورمان در زمینه چرخه سوخت، دول هسته‌ای و مخصوصاً غربی‌ها جنبه دیگری از نقطه ضعف سیستم نظارت بین‌المللی را متوجه گردیدند و روی آن بسیار تبلیغات گسترده ای راه انداختند.

غربی‌ها با تقسیم‌بندی فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز به فعالیت‌های هسته‌ای حساس صلح‌آمیز و غیر حساس صلح‌آمیز به صورت مغرضانه‌ای فعالیت‌های چرخه سوخت را در زمره فعالیت‌های هسته‌ای حساس قرار دادند. برای اینکه فعالیت‌های حساس خیلی به راحتی قابل انحراف به فعالیت‌های نظامی هستند آنها در صدد برآمدند که با ایجاد یک جنگ تبلیغاتی زمینه را برای معرفی تبعیض دیگری به NPT فراهم آورند. آنها اعلام کردند که لزومی ندارد که همه کشورها چرخه سوخت داشته باشند. برخی مانند ایرادعی صحبت از بانک سوخت بین‌المللی کردند که سوخت راکتورها را تضمین کند. برخی دیگر مانند بوش اعلام کردند که کشورهای ناقض معاهده NPT حق برخورداری از دانش چرخه سوخت را ندارند.

باتوجه به این پیش زمینه‌ها، تلاش‌های گسترده‌ای از سوی کشورهای غربی، مخصوصاً اروپایی‌ها و آمریکا برای ارائه یک تفسیر به ماده چهار NPT در اجلاس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۵ آغاز گردید. آنها با ارائه مقالات کاری متعدد و انجام رایزنی‌های فراوان با سایر کشورها در صدد بودند که این مسأله را مصوبه اجلاس نمایند که ماده چهار NPT در زمینه تأکید بر حق لاینفک کشورها برای استفاده صلح‌آمیز شامل کشورهای بی‌معاهده را نقض کرده اند نمی‌باشد و اگر آژانس در یک گزارش اعلام نماید که کشور الف نقض تعهد داشته است دیگر نه تنها نباید مشمول هیچ‌گونه کمک یا همکاری بین‌المللی در زمینه استفاده

صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای باشد، بلکه باید با اضمحلال برنامه‌هایی که در خلال آنها نقض تعهد صورت گرفته مواد و تجهیزات دریافت شده را نیز پس بدهد.

طرح تندروانه اروپایی‌ها و غربی‌ها با مقاومت جدی تعدادی از کشورهای در حال توسعه از جمله جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو شد و شدت تعارض منافع و دیدگاه‌ها به حدی بود که در نهایت اجلاس به بن بست رسید و هیچ‌گونه مصوبه‌ای در این زمینه صادر نشد. هر چند غربی‌ها نتوانستند در این اجلاس بین‌المللی مصوبه‌ای را برای محدود کردن حق کشورها در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای بدست آورند اما این مسأله یک توافق نانوشته بین خود آنها گردید که از هرگونه همکاری هسته‌ای در زمینه تکنولوژی‌های حساس هسته‌ای با کشوری که نقض تعهد داشته است بپرهیزند. این مسأله سبب شد که عملاً تحریم‌های یک‌جانبه‌ای از سوی اروپایی‌ها و برخی کشورهای غربی دیگر علیه برخی کشورها که از نظر آنها نقض تعهد داشته‌اند اعمال گردد. از طرف دیگر غربی‌ها به تلاش‌های خود برای محدود کردن فعالیت ایران در زمینه کار روی تکنولوژی‌های حساس ادامه دادند و با ارجاع موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران به شورای امنیت و تصویب چهار قطعنامه در این شورا ضمن اعمال تحریم علیه ایران خواهان تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی و بازفراوری و اعمال فشار جهت محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران شدند. تحلیل این موضوع از منظر قدرت و مباحث سیاسی و بهانه عدم اعتماد ممکن است تا حدودی ممکن باشد، اما از نظر حقوقی نمی‌توان به راحتی پاسخی برای موضوع یافت، چرا که حق ذاتی کشورها در معاهده به صراحت ذکر شده است، در اساسنامه آژانس همه این حق تضمین شده است. علاوه بر آن نه تنها هیچگاه این تمایز بین فعالیت‌های حساس و غیرحساس در قالب معاهده صورت نگرفته است بلکه بر عکس در سند نهایی اجلاس بازنگری کنفرانس NPT در سال ۲۰۰۰ که از جمله مهم‌ترین مصوبات اجلاس NPT است بیان شده است که «تصمیم و انتخاب هر کشور در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای باید مورد احترام قرار گیرد تا خطری متوجه سیاست‌ها، یا موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در زمینه همکاری برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و سیاست‌های چرخه سوخت کشور نشود».

این مصوبه که مورد تایید همه کشورها از جمله کشورها غربی نیز می‌باشد در سال ۲۰۰۰ و قبل از افشای برنامه‌های هسته‌ای ایران مصوب شده است. همچنین این مصوبه در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو عدم تعهد در دوربان آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۴ نیز مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است.

ز) موضوع ارائه تضمین‌های امنیتی توسط دارندگان سلاح هسته‌ای

برخی کشورهای غیرهسته‌ای بر این اعتقاد بوده‌اند که با توجه به اینکه کشورهای غیرهسته‌ای، آگاهانه انتخاب هسته‌ای شدن را کنار می‌گذارند باید امنیت آنها توسط دارندگان سلاح هسته‌ای تضمین و آنها موضوع حمله یا تهدید به حمله هسته‌ای نباشند. یا اگر مورد حمله یک کشور هسته‌ای واقع شوند سایر دول هسته‌ای به کمک آنها بشتابند. البته این کشورها معتقدند که بهترین تضمین امنیتی در مقابل سلاح‌های هسته‌ای حذف سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد. این موضوع از همان آغاز مذاکرات NPT خواسته برخی دول غیرهسته‌ای بوده است.

ارائه تضمین درخصوص اینکه حمله هسته‌ای یا تهدید به حمله هسته‌ای علیه دول غیرهسته‌ای صورت نمی‌گیرد را تضمین امنیتی منفی و ارائه تضمین درخصوص اینکه اگر حمله هسته‌ای به کشور غیرهسته‌ای شد دول هسته‌ای به کمک آن می‌شتابند را تضمین امنیتی مثبت می‌گویند.^(۱۹)

هر چند خواست بسیاری از این کشورها این بود که ارائه تضمین‌های امنیتی بخشی از NPT باشد، اما بخاطر مقاومت ابرقدرت‌ها در برابر این درخواست موضوع تضمین‌های امنیتی به متن معاهده راه نیافت هر چند همواره به‌عنوان بخشی از خواست‌های دول غیرهسته‌ای در حاشیه اجلاس‌های NPT مطرح شد.

ابرقدرت‌ها در برابر خواست کشورهای غیرهسته‌ای در نهایت رضایت دادند که با صدور قطعنامه‌ای توسط شورای امنیت سازمان ملل^(۲۰)، اعلام دارند که همه اعضای دائم

شورای امنیت که پنج قدرت هسته‌ای هستند متعهد می‌شوند که طبق مقررات منشور ملل متحد فوراً به کمک کشور غیرهسته‌ای بشتابند که قربانی تهدید یا حمله هسته‌ای واقع شده است.^(۲۱)

این تضمین که توسط انگلیس، آمریکا و شوروی ارائه شد فقط بیانگر قصد و نیت دول هسته‌ای برای ارائه تضمین‌های امنیتی و فاقد هرگونه دستورالعمل برای انجام کار خاصی بود. این ارائه تضمین همان تضمین‌های امنیتی مثبت می‌باشد.^(۲۲)

درخصوص ارائه تضمین‌های امنیتی منفی دول هسته‌ای رهیافت‌های مختلفی داشتند. آمریکا برای اولین بار در اولین جلسه اختصاص یافته به موضوع خلع سلاح در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۸^(۲۳) اعلام کرد که به کشورهای غیرهسته‌ای عضو NPT حمله یا تهدید به حمله نخواهد کرد.^(۲۴) در همین زمان انگلیس و شوروی نیز همین تضمین امنیتی را ارائه و پیشنهاد ارائه چنین تضمینی را مطرح کردند. فرانسه اعلام داشت که چنین تضمینی را فقط به مناطق عاری از سلاح هسته‌ای ارائه خواهد داد و چین فواتر از همه دول هسته‌ای همان اصل چین اولین استفاده‌کننده سلاح هسته‌ای نخواهد بود^۱ را که از دهه ۱۹۶۰ اعلام کرده بود مجدداً مورد تأیید قرار داد.

اما کشورهای غیرهسته‌ای این صحبت‌ها و قول‌های کلی را ناکافی می‌دانستند و خواستار انعقاد یک معاهده الزام آور حقوقی در این زمینه بودند. فشار کشورها در طرح این درخواست سبب شد که دول هسته‌ای به‌عنوان بخشی از تلاش‌های دیپلماتیک برای تمدید نامحدود NPT مجدداً با صدور قطعنامه‌ای در شورای امنیت مسأله ارائه تضمین‌های امنیتی منفی را مورد تأکید قرار دادند. قطعنامه ۹۸۴ شورای امنیت در سال ۱۹۹۵ صادر شد و مسأله ارائه تضمین‌های امنیتی منفی توسط پنج کشور هسته‌ای عضو شورای امنیت مورد تأکید قرار گرفت.^(۲۵) شانان توجه است که فرانسه و چین هم در سال ۱۹۹۲ به عضویت NPT در آمده بودند.

در حالی که کشورهای غیرهسته‌ای عضو NPT این تضمین‌ها را ناکافی می‌دانستند و خواهان انعقاد یک معاهده الزام آور حقوقی بودند. کشورهای هسته‌ای بعد از فروپاشی شوروی، وجود تهدیدات جدید و مخصوصاً حوادث مربوط به ۱۱ سپتامبر زلزله‌های شانه خالی کردن از تعهدات قبلی را اعلام داشتند به نحوی که آمریکا اعلام داشت در صورتی که این کشور مورد حمله سلاح‌های کشتار جمعی اعم از شیمیایی، میکروبی و یا هسته‌ای قرار گیرد از همه ابزارها و وسایل خود علیه تهدید و کشور تهدیدگر استفاده خواهد کرد.^(۲۶) طرح این موضوع به صورت رسمی از سوی مقامات آمریکائی در پاسخ به سؤال در مورد خطر ناشی از تأسیسات شیمیایی لیبی، نگرانی زیادی را در جامعه بین‌المللی ایجاد کرد. مقامات آمریکا در زمان کلینتون و در زمان بوش نیز به نوعی این مسأله را تأیید کردند که در صورت حمله شیمیایی، میکروبی یا هسته‌ای علیه آمریکا همه انتخاب‌ها روی میز خواهد بود.^(۲۷) و این نوعی تغییر در ارائه تضمین‌های امنیتی منفی مطلق از سوی آمریکا و نوعی مشروط و محدود کردن ارائه چنین تضمین‌هایی در سایه تهدیدات نوین نسبت به امنیت بین‌الملل بود.^(۲۸)

ح) طرح درخواست رأی مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه در مورد وضعیت حقوقی سلاح‌های هسته‌ای

یکی از ویژگی‌های دوران جنگ سرد تلاش برای افزایش قابلیت‌های نظامی بود و در این راه افزایش کیفی و کمی سلاح‌های هسته‌ای، از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بود. اما با فروپاشی شوروی سابق و پایان تنازعات میان شرق و غرب، تلاش جهانی برای از میان بردن سلاح‌های هسته‌ای که در سال ۱۹۶۸ با انعقاد پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای آغاز گردیده بود، شتاب بیشتری یافت. سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۳ و مجمع عمومی در سال ۱۹۹۴ هر کدام با ارسال سؤالی از دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه درباره مشروعیت سلاح هسته‌ای خواهان رأی مشورتی شدند.

رأی مشورتی دیوان درباره سلاح‌های هسته‌ای در واقع تقابل سیاست و حقوق بین‌الملل بود و نشان داد که در حال حاضر جامعه بین‌الملل و مخصوصاً دیوان بین‌المللی برای اظهارنظر درباره پاره‌ای از موارد باید ملاحظات سیاسی کشورها را مورد توجه قرار دهند. سازمان بهداشت جهانی در ۱۴ مه ۱۹۹۳ با صدور قطعنامه‌ای از دیوان بین‌المللی دادگستری برای پاسخ به سؤال زیر درخواست نظر مشورتی کرد.

«باتوجه به آثار سوء سلاح‌های هسته‌ای در سلامت بدن انسان و محیط زیست آیا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای توسط یک دولت در جنگ یا سایر درگیری‌های مسلحانه نقض تعهدات آن کشور نسبت به حقوق بین‌الملل نمی‌باشد؟»

به‌دنبال آن در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل با صدور قطعنامه‌ای و طرح سؤال ذیل نظر دیوان را جویا شد.

«آیا استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در هر شرایطی از نظر حقوق بین‌الملل مجاز می‌باشد؟»

ابتکار سازمان بهداشت جهانی و مجمع عمومی سازمان ملل بخاطر این بود که اکثر کشورها متقاعد شده بودند که استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای نه تنها تمدن بشری را با خطر نابودی مواجه ساخته است، بلکه امری غیراخلاقی و غیرقانونی می‌باشد. از طرفی در زمان بررسی دیوان برای پاسخگویی به سئوالات فوق‌الذکر ۳۳ میلیون نفر با امضای بیانیه «وجدان عمومی»^۱ و تقدیم آن به دیوان بین‌المللی دادگستری بر غیرقانونی بودن سلاح‌های هسته‌ای تأکید کردند. آنها شرط «دومارتن»^۲ در کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه که دیوان را مقید می‌سازد تا در هنگام قضاوت یک موضوع به وجدان عمومی هم توجه داشته باشد مورد تمسک قرار دادند.

برای اولین بار بود که دیوان نظرات شهروندان را درباره یک موضوع می‌شنید. علاوه بر آن دیوان اقدام به نظرخواهی از ۶۵ کشور نمود که ۴۳ کشور کتیباً و ۲۲ کشور شفاهماً نظر خود

را بیان کردند و بیش از دو سوم آنها هسته‌ای را غیرقانونی می‌دانستند و این بیشترین مشارکت کشورها در جریان طرح یک دعوی در دیوان بود.

مجمع عمومی سازمان ملل در اولین قطعنامه خود که در ژانویه ۱۹۴۶ صادر شد متفقاً به حذف سلاح‌های هسته‌ای و کلیه سلاح‌های کشتار جمعی از تسلیحات ملی کشورها رأی داد. همچنین از سال ۱۹۶۱ اکثریت قاطع کشورهای عضو مجمع عمومی استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را جنایتی علیه بشریت دانسته‌اند.

طبق ماده ۶ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای کشورها باید در جهت خلع سلاح هسته‌ای گام بردارند و دولت‌های هسته‌ای باید اقداماتی معمول دارند که منجر به خلع سلاح هسته‌ای شود.

طبق اصول حقوق جنگ (Jus in bello) که از معاهداتی مانند کنوانسیون ژنو، کنوانسیون لاهه و کنوانسیون منع کشتار جمعی اخذ گردیده است استفاده از سلاح‌هایی که دارای مشخصات ذیل باشند حتی در حالت دفاع مشروع ممنوع می‌باشد.

۱. سلاحی که بین افراد نظامی و غیرنظامی قادر به تمیز نباشد (اصل تمایز)؛
۲. سبب صدماتی شود که با تحریکات قلبی و یا هدف شروع آن متناسب نباشد (اصل تناسب و نیاز)؛
۳. سبب رنج و عذاب غیر ضروری و بیش از اندازه شود (اصل بشریت)؛
۴. آثار سویی بر دولت‌های بی طرف داشته باشد (اصل بی طرفی)؛
۵. سبب زیان‌های شدید، طولانی و گسترده به محیط گردد (اصل امنیت محیط)؛
۶. استفاده از گازهای سمی، خفه کننده و یا سایر گازها و مواد نظیر آنها (اصل منع استفاده از سم).

سلاح‌های هسته‌ای تمام ویژگی‌های فوق‌الذکر را دارد. علاوه بر آن با قدرت تخریبی بی‌نظیر خود تمام اصول مذکور را نقض می‌نماید. اثرات سلاح هسته‌ای از سلاح‌های میکروبی و شیمیایی که توسط کنوانسیون مخصوصی منع گردیده است، بسیار مخرب تر

می‌باشد. دولت‌های هسته‌ای همگی عضو کنوانسیون‌های فوق‌الذکر می‌باشند، بنابراین مجبورند که به همه هنجارهای کنوانسیون‌های مذکور وفادار بمانند.

ط) صدور رأی مشورتی دیوان درباره سلاح‌های هسته‌ای

بعد از هشت ماه تأمل دیوان رأی خود را به شرح زیر صادر کرد.

- به اتفاق آرا، عرف و کنوانسیون‌های بین‌المللی اجازه استفاده یا تهدید به استفاده از

سلاح‌های هسته‌ای را نمی‌دهد.

- با ۱۱ رأی در مقابل ۳ رأی، عرف و معاهدات بین‌المللی به‌طور جامع و جهانی

استفاده از سلاح هسته‌ای یا تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای را ممنوع نمی‌کند.

- به اتفاق آرا، اعمال زور یا تهدید به اعمال زور با استفاده از سلاح هسته‌ای، چنانچه

مخالف ماده ۲ بند ۴ منشور سازمان ملل باشد و یا شرایط مذکور در ماده ۵۱ منشور را نداشته

باشد امری غیرقانونی است.

مطابق ماده ۲ بند ۴ منشور سازمان ملل استفاده از زور توسط یک دولت علیه

تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر در صورتی که متناقض با اهداف سازمان ملل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

باشد، ممنوع است.

طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، دفاع فردی یا دسته جمعی مشروع، هنگامی که به

کشوری حمله شود، به‌عنوان حق ذاتی آن دولت به رسمیت شناخته شده است.

- به اتفاق آرا تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای باید با مقررات حقوق بین‌الملل ناظر

بر منازعات مسلحانه سازگار باشد. مخصوصاً آن اصول و مقررات حقوق بین‌الملل انسانی که

از طریق معاهدات و سایر تعهدات، الزام آور گردیده است. درباره سلاح هسته‌ای نیز مصداق

دارد.

- با ۷ رأی در برابر ۷ رأی، به‌دنبال مقررات فوق‌الذکر استفاده یا تهدید به استفاده از

سلاح هسته‌ای عموماً مخالف مقررات حقوق بین‌الملل ناظر بر درگیری‌های مسلحانه

مخصوصاً اصول و مقررات حقوق بین‌الملل انسانی است.

- به هر حال با ملاحظه وضعیت جاری حقوق بین‌الملل و عناصر واقعیت که در دسترس می‌باشند دیوان نمی‌تواند به یک نتیجه‌گیری صریح برسد که در شرایط دشوار دفاع از خود که بقای یک دولت به خطر می‌افتد آیا استفاده از سلاح هسته‌ای امری قانونی است یا غیرقانونی. رأی درباره این قاعده ۷ در مقابل ۷ بود.

- به اتفاق آرا کشورها مجبورند که برای پیگیری و نتیجه‌گیری از مذاکرات خلع سلاح تحت نظارت شدید یک سیستم بین‌المللی با حسن نیت اقدام نمایند. هرچند دیوان تمایل داشت که قاعده‌ای را درباره سؤال مطرح شده از طرف سازمان بهداشت جهانی صادر کند. اما سازمان بهداشت جهانی صلاحیت اظهارنظر درباره وضعیت حقوقی سلاح‌های هسته‌ای را نداشت.

ی) نتیجه‌گیری

با بررسی موارد فوق‌الذکر به این نتیجه می‌رسیم که از نظر حقوق بین‌الملل اولاً استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای براساس ماده ۲ اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ماده ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، سند پایانی اجلاس بازنگاری و تمدید معاهده مزبور در سال ۱۹۹۵ و کلیه مباحث و مذاکرات انجام شده در خلال ۷ کنفرانس بازنگاری معاهده و حتی قراردادهای پادمان کشورها حق لاینفک همه کشورها است و هیچ چیز حتی مفاد معاهده نباید به گونه‌ای تفسیر شود که به حق کشورها در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای خدشه‌ای وارد نماید. استفاده از منطق زور که هم اکنون رویه جاری و معمول در نظام بین‌الملل می‌باشد نیز نمی‌تواند خدشه‌ای به حق قانونی همه کشورها در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای از نظر حقوقی وارد نماید.

درخصوص دیدگاه حقوق بین‌الملل در مورد استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای باید اذعان کرد که براساس رأی مشورتی دیوان این کار با حقوق بین‌الملل ناظر بر درگیری‌های مسلحانه مغایرت دارد. ولی در این بین استثنایی وجود دارد و آن مربوط به رأی

دیوان با این مضمون است که با ملاحظه وضعیت حقوق بین‌الملل دیوان نمی‌تواند به این نتیجه‌گیری قطعی برسد که آیا استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در شرایط فوق‌العاده دفاع از خود، که موضوع بقای دولت در خطر می‌باشد امری قانونی یا غیرقانونی است.

طبق رأی دیوان شرایط فوق‌العاده کشورها در دفاع از خود دستاویزی است که می‌تواند استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را مشروعیت بخشد. هر چند استفاده از این سلاح‌ها هم برخلاف حقوق جنگ و هم برخلاف حقوق بین‌الملل انسانی در قواعد ناظر بر درگیری‌های مسلحانه می‌باشد. برخی معتقدند رأی دیوان که در واقع بدون توجه به وجدان عمومی و افکار عمومی جهانی صادر شد تلاش قضات دول هسته‌ای که در دیوان وجود دارند برای حفظ و قانونی بودن سلاح‌های هسته‌ای بود. رأی دیوان در واقع بی‌پناهی حقوق بین‌الملل در مقابل سیاست بین‌الملل را نشان داده و سیاست زدگی جامعه بین‌المللی را اثبات نمود. زیرا چنانچه دیوان به عدم مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای رأی می‌داد خود را با دول هسته‌ای و شورای امنیت درگیر می‌کرد و ضمانت اجرایی برای اعمال نظر دیوان وجود نداشت و با وجود این که در حقوق بین‌الملل معاصر دلایل زیادی بر عدم مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای وجود داشت ولی سیاست بر حقوق پیشی گرفت و دیوان اقدام به صدور رأی نمود که در واقع عقب نشینی دیوان و موضع منفعلانه آن را در برابر قدرت‌های بزرگ به اثبات رسانید.

منابع و مأخذ

۱. مک کای، آلوی (۱۳۷۴)، تلاش سازندگان عصر اتم، ترجمه: احمد غریب و جمشید کمال، تهران: سازمان انرژی اتمی.
۲. طباطبایی، سید رکن‌الدین (۱۳۸۶)، مقاله روند توسعه سلاح هسته‌ای در جهان، تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صص. ۳۱۹-۲۶۴.
۳. منشور ملل متحد ماده ۱۱ بند ۱.
4. The United Nations, "Year Book of the UN", Vol. 10, 1956.
۵. رجوع شود به سخنرانی ۸ دسامبر ۱۹۵۳ آیزنهاور در مجمع عمومی سازمان ملل.
6. IAEA statute, Article II. www.iaea.org
7. Ibid. article III. P. 5.
۸. حسینی، محمدتقی (۱۳۸۶)، سیر تکاملی نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز، تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، صص. ۵۰۲-۵۵۰.
9. United Nations, "Year Book of the UN", Vol. 21, 1967, p. 1.
۱۰. دریایی، محمدحسن (۱۳۷۶)، نقش قدرت‌های بزرگ در فرایند خلع سلاح و کنترل تسلیحات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
11. Johnson, Thomas (2000), the History of the NPT, Washington DC: Carnegie, Carnegie Endowment for Peace.
۱۲. ماده ۹ معاهده NPT بند سوم.
۱۳. رجوع شود به سخنرانی کشورها در اجلاس بازنگری NPT در سال ۱۹۹۵، www.Acronym.com
۱۴. دریایی، محمدحسن (۱۳۸۵)، تحلیلی بر اجلاس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۵، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۵. رجوع شود به بند سوم ماده ۳ معاهده NPT.

16. NPT Review and Extension Conference, Decision on Principles and Objectives, New York: 1995, p. 15.

۱۷. دریایی، محمدحسن (۱۳۷۹)، سند نهایی اجلاس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۰، تهران: وزارت امور خارجه.

۱۸. رجوع شود به سخنرانی نماینده ایران در کنفرانس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۵ در کمیته سوم، www.un.org.

19. Pilat, Joseph (2005), Reassessing Security Assurances, Washington Quarterly, Vol. 28, No. 2, (Spring), p. 159.

20. UNSC Resolution No. 255, (1968).

21. Ibid.

22. Joseph Pilat, Op. Cit. p. 160.

23. Special Session on disarmament I (SSODI).

24. Statement of US Foreign Secretary, SSODI, New York, 12 June 1978.

25. UNSC Resolution, No. 984, (1995).

26. William Perry, Interview with Press, Ismailia, Egypt. April 4, 1996.

27. National Strategy to Combat WMD, (December, 2002), p. 3.

28. Bleek, Philipp (2002), (Reaffirming NSA) Arms Control Today, (March), p. 23.



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني